

نسخه‌های اقتصادی و معیشتی برای رئیسی

# جلیلی از سایه بیرون آمد

سعید جلیلی

**معصومه معظمی**؛ واقعیت انکارناپذیر درباره سعید جلیلی این است که نه در دولت روحانی که منتقد پروپاقرص آن بود، جایگاهی داشت، نه در دولت همسوی رئیسی توانست جایگاهی کسب کند؛ ازاین‌رو صرفا همان کرسی رئیس دولت در سایه را که بعد از شکست در رقابت با روحانی در انتخابات ۹۶ دست‌وپا کرده بود، برای خود حفظ کرد و حالا رفته‌رفته قصد دارد خود را در جایگاه ایوب‌سیون دولت سیزدهم معرفی کند. برخی اعتقاد دارند حتی خود دبیر پیشین شسورای عالی امنیت ملی هم فکر نمی‌کرد بعد از انصراف دیرهنگامش به نفع رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰ و اعلام آمادگی برای ارائه برنامه‌هایش برای کمک به دولت جدید، استقبالی از او نشود. درحالی‌که رئیسی چتر حمایتی‌اش را بر سر همه رقبای انتخاباتی همفکرش -بوشی- گسترانید؛ اما جایی برای او در کابینه‌اش تعریف نکرد و او از ورود به پاستور بازماند!

سعید جلیلی

خطاب به رهبری نوشت، خواستار خروج ایران از برجام شد و پیش‌بینی کرد روسیه و چین با استفاده از حق وتوی خود در شورای امنیت، مانع بازگشت تحریم‌های پیشابرجامی خواهند شد. او همچنین خواستار افزایش سطح غنی‌سازی تا ۹۰ درصد به‌عنوان مقدمه لازم برای ورود به مذاکره مستقیم با آمریکا شد. اظهاراتی نسنجیده که حتی صدای اصولگرایان و دوستان هم‌طیفش را هم درآورد. اگر چه بعد از آن نزدیکان جلیلی این نامه را «خیالی» و اقدامی از سوی مخالفان برای تخریب او دانستند؛ اما در واقع این اولین اقدام رئیس دولت در سایه برای مخالفت با دولت همسو بود.

البته این تنها اقدام نقادانه و موضع‌گیری او در قبال برنامه‌های دولت سیزدهم نبود. جلیلی همان زمان‌ها پس از جلسه شورای امنیت ملی با موضوع احیای برجام، موضعی ضد برجامی گرفت و در توییتی بر بدهدی آمریکا تاکید کرد و نوشت: «حتما نباید هزینه داد که به تجربه رسید؛ امروز خوش‌باورترین افراد به آمریکا، اعتراف می‌کنند که دیگر نمی‌شود به آنها اعتماد کرد». البته درباره نامه برجامی جلیلی که رسانه‌ها آن را «پیشنهادهایی برای فرار به سمت جنگ» نامیدند، موج انتقادات به سمت جلیلی روانه شد.

**دوستی از سر استیصال**

حالا که این روزها به دلیل شرایط بد اقتصادی همه خود را منتقد برنامه‌های دولت نشان می‌دهند، جلیلی هم می‌کوشد خود را ناجی مردم و کشور معرفی کند. او با ارائه یکی از برنامه‌های انتخاباتی‌اش می‌خواهد نشان دهد به دنبال حل مشکل و کمک به دولت است؛ اما در واقع این‌طور که به نظر می‌رسد انگشت اتهام خود را به دلیل انتخاب

یادگار امام گفت: اگر کسی واقعا در دنیا به دنبال آزادی،

عدالت و حقوق بشر است و دروغ نمی‌گوید، در موضوع فلسطین باید صادقانه، صریح و شفاف موضع خودش را بگیرد.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام سیدحسین خمینی در کوشیه مراسم تجدید میثاق سازمان‌های مردم‌نهاد، جمعیت دفاع از فلسطین و اصحاب رسانه فعال در زمینه فلسطین گفت: انقلاب اسلامی پارادایم بزرگی را در حوزه مسئله فلسطین عوض کرد و گفتمانی را زدود و گفتمان دیگری را جایگزین کرد. معتقدم نقش انقلاب را در هویت‌بخشی به مبارزات فلسطین به‌درستی نشناخته‌ایم. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام بزرگوار، حرکت ملت فلسطین یک حرکت ملی‌گرایانه عربی بود و در بخشی نیز شعارهای چپ‌گرایانه جریانات تحت تأثیر اندیشه کمونیستی آن روزگار شنیده می‌شد و جریاناتی با اندیشه عدالت‌خواهی مارکسیستی فعالیت داشتند. یادگار امام (ره) در ادامه گفت: جا دارد از بسیاری از کسانی که در دنیا از فلسطین حمایت کرده‌اند، یاد کنیم؛ مثلا مرحوم ماندلا در آفریقای جنوبی و بسیاری از جریانات چپ، اما زاویه نگاه هرکدام آنها همان‌طورکه گفته شد، یا مبارزه با سرمایه‌داری

**سیدحسین خمینی:**

# فریاد «نه شرقی نه غربی» یعنی ما از منظر خدا عدالت خواه هستیم

بود یا به دنبال یک جریان عربی بودند. مثلا جمال عبدالناصر کر چه برخاست و جنگ‌هایی را ایجاد کرد، اما حرکت او حول عرب‌بودن یا غیرعرب‌بودن بود. سیدحسین خمینی اظهار کرد: اما انقلاب اسلامی خط بطلانی بر این گفتمان کشید و داستان فلسطین را تبدیل به مسئله‌ای اسلامی کرد و قضیه فلسطین به‌عنوان «قبله اول مسلمین» مطرح شد. وی ادامه داد: دیگر مسئله فلسطین مختص عرب‌ها نبود که «من ایرانی» از آن حمایت کنم، بلکه تبدیل به موضوع «من مسلمان شد» که من ایرانی مثل یک لبنانی و عرب آن را موضوع خودم می‌دانم، اینجا بود که موضوع به پاکستان، هندوستان، اندونزی و مالزی رفت. این بار قرار بود یک میلیارد مسلمان قبله اولشان را آزاد کنند. این گفتمان جدید اتفاق بسیار بزرگی بود که موضوع فلسطین را از عربی محض یا یک خط مرز جغرافیایی، تاریخی و ملی، تبدیل به یک موضوع دینی و الهی کرد که به آبرو و غیرت پیامبر اسلام(ص) کره خورده است. یادگار امام(ره) در ادامه گفت: ما در پشت قدس بغض گره‌کرده امیرالمؤمنین(ع) و جادر خاکی فاطمه زهرا(س) و تمثال مبارک پیامبر(ص) را می‌بینیم؛ داستان تاریخ و جغرافیا نیست، داستان غیرت

دینی است. سیدحسین خمینی در ادامه با اشاره به فعالیت گروه‌های مقاومت مثل حماس و جهاد اسلامی اظهار کرد: این بار فریاد «الله اکبر» در مبارزه با صهیونیسم متولد شد. این کار بزرگی بود که امام خمینی(ره)، این مرد خدا، در دوره ما نسبت به مسئله فلسطین انجام داد. البته این مشی فقط در فلسطین نبود؛ امام(ره) دین را به زندگی آمیخته با مادیات بشیریت آورد. او تاکید کرد: فریاد «نه شرقی نه غربی» یعنی ما از منظر خدا عدالت‌خواه هستیم. آخوند آمریکایی یعنی کسی که فریادگر سرمایه‌داری وابسته است. کشیش آمریکایی یعنی کسی که پشت دروازه‌های کاپیتالیسم معبد و کلیسای خودش را برقرار می‌کند. داستان انقلاب این بود که در دوگانه اینکه باید یا عدالت‌خواه و مارکسیست یا دیندار و کاپیتالیست باشی، یک خط سوم را ایجاد کرد که بر مبنای آن، شما می‌توانید آزادی‌خواه و دیندار، خدامحور و عدالت‌خواه باشید؛ مانند اوپردی که هم عدالت‌خواه و هم پشت سر امیرالمؤمنین(ع) است. سیدحسین خمینی با اشاره به اینکه راه‌حل امام تغییر گفتمان‌های رایج آن دوران در بحث فلسطین بود، یادآور شد: امام راه‌حل هیچ مشکلی را از لوله تفنگ نمی‌دانست.

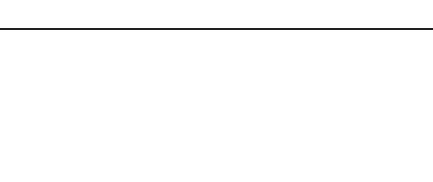


سعید جلیلی

رئیس در انتخابات به سمت مردم‌نشانه رفته است. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که حالا داعیه دلسوزی برای دولت را دارد، با ارائه برنامه سید غذایی مطلوب ایرانیان به وزیر کشاورزی گفته است: «از سال ۹۷، ده‌ها میلیارد دلار به ارز ترجیحی تخصیص داده شد؛ اما نه‌تنها سید غذایی مردم به شکل مطلوب تأمین نشد؛ بلکه به آن آسیب جدی رسید و سرانه مصرف غذایی آحاد جامعه کاهش پیدا کرد». جلیلی همچنین گفت که طبق نظر کارشناسان، متوسط نیاز غذایی روزانه هریک از آحاد جامعه دوهزارو ۵۷۸ کیلوکالری است که دولت باید برنامه‌ای برای تأمین آن داشته باشد؛ با در نظر گرفتن جنبه‌های کشاورزی، اقتصاد، نظام سلامت و اجرایی برنامه‌ای تحت عنوان «سید غذایی مطلوب ایرانیان» حداقل در ۱۳ قلم کالا تنظیم شد و در ابتدای کار دولت سیزدهم این برنامه به معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر کشاورزی ارائه شد تا در صورت لزوم در لایحه بودجه ۱۴۰۱ استفاده شود.

گفتنی است، برنامه سید غذایی مطلوب ایرانیان، برنامه سه‌لایه‌ای جلیلی برای تأمین استاندارد غذایی خانوار ایرانی در دوران انتخابات سال ۱۴۰۰ بود. این برنامه سال گذشته و در ایام انتخابات مطرح شد و در آغاز به کار دولت سیزدهم، در جلسات جداگانه‌ای به وزیر کشاورزی و معاون اول رئیس‌جمهور ارائه شد. برنامه سید غذایی مطلوب ایرانیان در ابتدای سال جاری نیز مجددا برای رئیس‌جمهور ارسال شد که پس از دستور او به وزارت جهاد کشاورزی جلسه‌ای با حضور مسئولان این وزارت برای بررسی این طرح برگزار شد. حالا باید دید که آیا جلیلی با این برنامه واقعا قصد کمک به دولت برای حل مشکلات اقتصادی را دارد یا به فکر انتخابات چهار سال آینده است!

وی با بیان خاطره‌ای از منظر امام(ره) در رابطه با بیداری مردم فلسطین و انتفاضه‌شان گفت: خودم در ایام بیماری ایشان که به رحلت‌شان منجر شد، در بیمارستان شاهد بودم که وقتی تلویزیون نشان می‌داد مردم فلسطین در انتفاضه بزرگ خودشان با سنگ به جنگ گلوله رفته‌اند، چنان لیخند و نشاطی در چشم و صورت امام(ره) مشهود بود که گویی این اثر انقلاب ماست و این راه‌حل نهایی است. او خاطر‌نشان کرد: همین جمله که امام در ایران هم فرمودند «همه با هم» امروز در فرمایشات رهبر انقلاب به‌عنوان راه‌حل رهایی فلسطینی مطرح است که بر اساس آن، رفراندومی که همه گروه‌های فلسطینی را شامل شود، برگزار شود؛ در آن صورت مردم فلسطین خودشان بلندن چه کار کنند. بعد از امام(ره) در داستان فلسطین آن پرچم، پیام و صدا از زبان، بیان و دست مبارک رهبر انقلاب بزرگ و پرتوان ادامه پیدا کرد و جمهوری اسلامی با افتخار در موضوع دفاع از فلسطین، قدس و مظلومیتی که امروز مظلومیت پیامبر اسلام است، وارد محاسبات غلطی نشد که البته نتایج دنیوی هم نخواهد داشت.



میزان پاداش اعلامی در طرح موصوف غالبا برای جامعه ضعیف این کشور قابل توجه است که همین وعده شیرین که با تولد طفل تحققی می‌یابد، در ادامه زندگی به سسمی مهلک تبدیل می‌شود که بعد از تولد فرزند و در سن نوجوانی و کودکی طفل نمایان می‌شود. گرفتن ۳۰۰، ۲۰۰، ۱ میلیون تومان پول در زمان تولد فرزند برای هر طبقه‌ای ضعیف‌ترین است، اما وقتی این فرزند از دوره طفولیت به خردسالی و کودکی عبور می‌کند، طعم این پاداش به رنج‌هایی از قبیل تأمین وسیله رشد و تربیت همین طفل تبدیل می‌شود. چه کسی می‌خواهد آینده این فرزندان را تأمین کند؟ فرزندآوری برخلاف آنچه بر کلیت طرح جوانی جمعیت غالب است، امری زودگذر و آتی نیست که با یک پاداش مقطعی بتوان طبقه فقیر را تشویق به آن کرد. نمونه‌های بسیاری از این بسته‌های تشویقی در تولد فرزند را می‌توان مثال زد که در فرهنگ و اندیشه ایران و ایرانی جایگاه قابل قبولی برای راحتی خیال زوجین در برنامه‌ریزی تولد فرزند ایجاد کند. شاید با چنین اندیشه‌ای، هدف و غایت نهایی طرح جوانی جمعیت قابلیت اجرا پیدا کند؛ وگرنه آنچه در قالب باید و نبایید در حکم قانون تعریف و القا می‌شود، نه‌تنها رغبتی ایجاد نخواهد کرد، بلکه در بهترین حالت بی‌اثر و خشتی خواهد بود.

بنابراین علاوه بر ایرادهای واردشده در بحث ضمانت اجرا و چگونگی اجرای مقررات مندرج در طرح موصوف، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که مفاد طرح موصوف همه‌مای است بر کرامت انسانی. در نتیجه چنانچه مجلس در تدوین چنین طرحی اصرار دارد، لازم است پیش از هر اقدامی هیئتی متشکل از محققان علوم اجتماعی، ژنتیک، پزشکی، روان‌شناسی و… به تحلیل و شناسایی آثار و تبعات اجرایی‌شدن چنین ایده‌ای پرداخته، مجلس بنا بر خروجی چنین پژوهشی به تعدیل و تحریر طرح مذکور قیام کند.

♦ **وکیل دادگستری و عضو هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری فارس**

**یادداشت**

پشت پرده رخدادهای اخیر تبریز

## دست‌های آلوده بر گلوی راحت جان

**ناصر همرنگ**؛ رخداد‌های گاه و بی‌گاه در برخی از ورزشگاه‌های تبریز به‌ویژه در کشاکش برگزاری هماوردهای فوتسال که در خلال آن معدودی میهن‌ستیز بسر برخی از نمادها و بنیادهای تاریخی و ملی آرنگ سر می‌دهند، مرا از شگفتی پر می‌کند. آن‌هم نه از بابت آنکه این رخدادها سرچشمه‌های بیرونی دارند و احیاناً در سایه تحریک‌آمیزی‌های دو دولت همسایه غرب و شمال غرب یا برخی دولت‌های متخاصم به‌انجام می‌رسند؛ بلکه برعکس بیشتر از این‌بابت که این رخدادها تا حد ی می‌توانند ریشه درونی داشته باشند. این آرنگ‌ها تند و بی‌پروا هستند و رنگ و بوی نامطوبعی دارند. گمانی نیست که دو دولت ترکیه و جمهوری باکو در جایگاه پشتیبانان جدی جریان الحاق‌گرای پان‌ترکی و همچنین دیگر دولت‌های متخاصم در جایگاه دشمنان تاریخی یا رقیبان راهبردی و پیرامونی ایران دمام در اندیشه آسیب‌رسانی به بنیادهای ملی ما از راه‌هایی این‌چینی بوده و هستند؛ اما آنچه در دو دهه گذشته در ورزشگاه‌های تبریز پیش می‌آید، آن چنان درازدامن و شکست‌آور و پیچیده و دقیق و پر از ریزه‌کاری‌های کاربردی است که امکان برنامه‌ریزی‌هایی از آن گونه را با آن دقت بالا از هر نهاد امنیتی بیگانه سلب می‌کند. در ورزنگاه‌هایی که زیر شدیدترین بازرسی‌ها قرار دارند، به گونه‌ای که امکان زنان گرم‌کرده و مردنما در آنها به صفر رسیده است، حجم و فراوانی انتقال پرچم‌های بیگانه و برنهای دارای آرنگ‌های تجزیه‌طلبانان ایران‌ستیزانه و طرفداران شناخته‌شده با پوشش‌های آراسته به نشانه‌های بیگانه آن‌هم در اندازه‌های گسترده و انبوه البته خود به‌تئهایی گویای بسیاری از حاشیه‌های سوررنال این داستان تلخ و دردآور است. از دولت‌های بیگانه سخن گفته شد. رخداد‌های ورزنگاه‌های تبریز هیچ پیوندی با مردم آذربایجان نیز ندارند که خواهیم گفت چرا.

این رخدادها مدت‌هاست که همچنان ما آذربایجانی‌ها را شگفت‌زده می‌کند، شگفت‌زده از این‌همه بی‌سروسامنی، بسا این حوال در چنین هنگامه‌ای پرسش‌های همیشگی بی‌پاسخ می‌ماند. چه کسی یا چه کسانی پشت پرده این رخدادها هستند؟ هدف آنها چیست و آیا آنها به پیامدهای کارهای خود نیک نمی‌اندیشند؟

ما همه آنهاپی را که در زمان رئیس‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی توانستند حیدر علی‌اف را در باکو به قدرت برسانند، می‌شناسیم. اکنون نیز اینجا و آنجا هستند. پاپتان را که دراز کنید به پای یکی از آنها گیر می‌کند. همه آنها کم‌وبیش در روزگاران نزدیک و بسیار نزدیک از تاریخ ما مجال تکثیر یافته‌اند.

در کشاکش فروریزری مرز ایران و شوروی در زمستان ۱۳۶۸ خود در باکو شاهد شکل‌گیری انجمن‌های پان‌ترکیستی ریز و درشتی بوده‌ام که داشتند برای آینده ایران نقشه می‌ریختند. جبهه خلق آذربایجان تنها یکی از آنها و البته سازمان‌یافته‌ترین و مهم‌ترین آنها بود. همه آنها با دست پر داشتند کار می‌کردند. جبهه ابزار آتیز بر بود از دستگاه‌های شگفت‌آوری که برای نفوذ طراحی شده بود. آنها چنانچه خود می‌گفتند، در دوران شوروی و در پیش چشم سازمان‌های ضد اطلاعاتی و اطلاعاتی مخوف شوروی بخت خود را برای به‌کارگیری و پیشبرد هدف‌های قومی و پان‌ترکیستی آزموده و تا حدودی کامیاب شده بودند.

روش‌شناسی نوپان‌ترکیست‌ها در ایران نیز نعل به نعل اجرای دوباره همان برنامه‌هایی را به نمایش می‌گذارد که در اتحاد شوروی به انجام رسیده بوده است. نفوذ در مترویل که یعنی مسکو و اکنون تهران، یکی از هدف‌های نخستین این جنبش خرنده و زیرپوستی است. از این رو جریان بیگانه‌گرا و الحاق‌گرایی پان‌ترکیسم نفوذی در ایران را پیش از هر چیز دیگر باید زاییده شرایط درونی دانست. همچنین لغز بزرگی است اگر پان‌ترکیست‌های ایران را تنها کارگزار مستقیم باکو یا آنکارا بدانیم. آنها آشکارا از درون سازمان‌دهی شده و می‌شوند. از این رو است که کار خود را این‌چنین بی‌محبا و در روز روشن و بی‌هیچ هراس و واهمه‌ای و در کمال خونسردی انجام می‌دهند. از آن رو است که بخشی از بدنه دیوان‌سالاری در کشاکش رخداد‌های گاه و بی‌گاه از این دست به خدمت گرفته می‌شود. این مهندسی بر آن است تا «ملت ایران» را به «اتحادیه قومیت‌های ایرانی» درگروک کند. از این رو است که آذربایجان و در پیشانی آن شهر تبریز در هرگونه مهندسی اجتماعی در این داستان عجیبا غریبا اهمیت صدچندانی می‌یابد. تبریز به‌تئهایی یکی از مهم‌ترین سلسله‌جنبانان ایرانیت و شاید مهم‌ترین آنها در پهنای ۲۰۰ سالال گذشته بوده و هست. اهمیت آذربایجان و از آن میان شهر تبریز به‌تئهایی برای اندیشه ملی ایرانی بر دوستان و دشمنان این آب و خاک پوشیده نبوده و نیست و هر رخدادی در تبریز پیش بیاید، به شتاب همه استوانه‌های ایرانی‌گری را درگیر می‌کند. قهرمانی‌ها و از‌جان‌گذشتگی‌های تبریز در راه خوشبختی و رهایی ایران همواره چراغ راه همه ایرانیان بوده و خواهد بود. ناسیونالیسم ایرانی و نیز اندیشه‌های نوین در راه پیشرفت این آب و خاک با تبریز می‌آغازد و با آن استمرار یابد. از این‌رو نخست باید تبریز را از بی‌آورد. تبریز راحت جان همه ایرانیان است و دست‌های آلوده بر کلسوی آن، تیغ بر جان و تن همه باشندگان این آب و خاک است.

بسیار فراقفکنه خواهد بود اگر بپذیریم که این دست‌های آلوده برای همیشه به حال خود رها خواهند شد. بی‌گمان مخالفت با پان‌ترکیسم الحاق‌گرا سسرانجام در شرایطی دیگر به صورت یک رفتار اجتماعی گسترده در لایه‌های زیرین جامعه آذربایجان و آن‌گاه ایران خود را نشان خواهد داد و واکنش معنادار مردم آذربایجان و تبریز به این‌گونه مهندسی‌های ضد ملی، در آینده‌های دور و نزدیک، بی‌تردید واقعیت‌تبریزی دیگری را بر رخ خواهد کشید و ژرفای وجدان تاریخی تبریزی‌ها و آذربایجانی‌ها را یکباره برای همه دوستان و دشمنان ایران به نمایش خواهد گذاشت.